

یادداشت هفته : راه حل سوم

پنجشنبه این هفته ، کنگره بزرگ ایرانیان در واشنگتن برگزار می شود . سازمانده این گردهمایی " سازمان مجاهدین خلق " و اسپانسر و حمایت کننده آن موسسه " اینتر پرایز " و شخص " مایکل لدین " می باشد . سال گذشته هم کنسرتی در واشنگتن برگزار گردید که سازماندهان و حامیان آن نیز همینها بودند . پرداختن به سیر تحولات سیاسی مابین این دو گرد همایی و بررسی تغییرات تعادل قوای سیاسی در رابطه با ایران ، موضوع یادداشت این هفته است .

دشمن دشمن من ، دوست من است !

در رابطه با موسسه اینترپرایز و اهداف آن ، در گذشته اشاراتی داشته ام . در مقاله ای که در ۹ مرداد ۱۳۸۲ نوشته بودم ، آمده است :

" تغییر رژیم در ایران یک مسئله تصمیم گرفته شده است . مشکل در نبود آلترناتیو مناسب برای تصاحب قدرت سیاسی است . "

" تقابل دو تحلیل در نمایش پاریس " ۹ مرداد ۸۲

راه اندازی این آلترناتیو مناسب یا به عبارت دیگر " آلترناتیو مطلوب " رسالت این موسسه بوده است . در این راستا معضلی که با آن روبرو بودند این بود که از یکسو نیروهای مورد نظر آنها ، یعنی نیروهای سلطنت طلب و لیبرال ، نه دارای یک تشکیلات منسجم و رهبری مورد پذیرش همه بودند و نه برخوردار از " ابزار براندازی " و از سوی دیگر نیروهای مورد تفرشان یعنی مجاهدین و هم پیمانانشان در " شورای ملی مقاومت " ، نه تنها دارای یک انسجام حیرت انگیز تشکیلاتی و یک رهبری کاریسماتیک بودند که با در اختیار داشتن یک ارتش زرهی و با تجربه و قابل کنترل ، تنها نیروی جدی خارج نظام حکومتی ایران ، بشمار می رفتند که هم پتانسیل سرنگونی رژیم حاکم بر ایران را داشتند و هم ابزار آنرا .

بدین ترتیب خط حاکم بر سیاستهای یکی دوسال گذشته این موسسه مبتنی بر نزدیک کردن و نشان دادن عناصر تماما وابسته سلطنت طلب در کنار نیروهای تماما مستقل مجاهدین خلق بوده است . از طرف دیگر برای مجاهدینی که زیر فشار خرد کننده ۹ قدرت خارجی قرار داشتند و تنها ابرقدرت دنیا نیز برنامه انهدام فیزیکی آنها را در دستور قرار داده بود ، اتخاذ سیاست پراگماتیستی دشمن دشمن من دوست من است ، اوج هشیاری سیاسی و پختگی مبارزاتی بود . به شرطی که موفق می شدند " هژمونی " را به هیچ قیمتی واگذار نکنند ! در همان مقاله مورد اشاره ، دو سال پیش و در بحبوحه تهاجمات ۱۷ ژوئن نوشته بودم که :

" برای مجاهدین هر چه که قابل مذاکره باشد مسئله هژمونی قابل مذاکره نیست ! به جز این اصلا نیازی به " انقلاب ایدئولوژیک " نبود .

ایده آل مجاهدین به رسمیت شناخته شدن اقتدار نظامیشان در قالب " ارتش آزادیبخش ملی ایران " و آلترناتیو یکدست سیاسیشان تحت عنوان " شورای ملی مقاومت ایران " توسط آمریکایی هاست ! این ایده آل همانقدر واقعی ! است که ایده آل طرف مقابل مبنی بر ایفای نقش یک " اتحادشمال " دیگر ، اینبار برای ایران و آنهم توسط مجاهدین ! به همان اندازه که ضرورت هژمونی " عنصر دمکراتیک - انقلابی " برای مجاهدین ، حیاتی است ، به همان اندازه نیز تحمیل جبری هژمونی " بورژوازی ضد انقلابی وابسته " برای آمریکایی ها معیار واقعی اعتماد به مجاهدین است و لا غیر !

" تقابل دو تحلیل در نمایش پاریس " ۹ مرداد ۸۲

رفراندوم

راه حل مطلوب آمریکاییها برای تغییر کنترل شده رژیمهای سیاسی منطقه ، براه انداختن انقلابات مخملی است . یعنی یا خود رژیمهای استبدادی اصل مراجعه به آرای عمومی را می پذیرند و جامعه را برای ترک تازی " لیبرال دمکراسی " باز می کنند و یا کنار گذاشته می شوند ! چندی پیش جمله ای به نقل از " علی عبدالله صالح " رئیس جمهور یمن شنیدم که مضمون آن چنین بود :

"یا ما خودمان سرمان را اصلاح می‌کنیم یا آنها موهایمان را از ته خواهند تراشید!"

در همین رابطه هم حضور "ریچارد پرل"، تنوریسین جناح بازها در هیئت حاکمه کنونی آمریکا در کنسرت سال گذشته واشنگتن اساساً به منظور طرح و تثبیت راه حل فراندوم کذایی در میان نیروهای مجاهدین در کادر اصل نفی خشونت (بخوانید انقلاب قهرآمیز) بود. در این رابطه مجاهدین با تاکتیک پذیرش فراندوم، بلیط ورود به صحنه تعادل قوای سیاسی موجود را بدست آوردند.

با ورود به صحنه، برخلاف انتظار بسیاری که تصور به زیر هژمونی آوردن مجاهدین آب از لب و لوجه شان روان ساخته بود! نه تنها مجاهدین تن به ننگ همنشینی با ضد انقلاب درخواستی اینترپرایزی ها ندادند، بلکه با طرح "راه حل سوم" در پارلمان اروپا در یک مدار بالاتر وارد تضادهای جهانی بر سر مسئله ایران نیز می‌گردند.

مجاهدین به اطلاع طرف مقابل رسانده بودند که اگر قرار بر همکاری باشد شرط آن این است که طرفتان تنها ما باشیم و از ما نخواهید که در کنار نیروی دیگری بنشینیم!

واکنش متقابل موسسه اینترپرایز، طرح شتابزده و زودرس فراندوم "محسن سازگارا" با حمایت "رضا پهلوی" و در زیر چتر حمایتی "مایکل لدین" بود. هر چند که سابقه تماسهای به اصطلاح اصلاح طلبان درون رژیم با پس مانده های سلطنت مدفون از قدمتی چند ساله برخوردار بوده است. این طرح تنها نتیجه مثبتی که داشت سوزاندن برگ رضا پهلوی توسط سازگارا بود.

مجموعه رخداد های جاری، تهاجم جدید مجاهدین را در دو جبهه جدا و در عین حال مرتبط با هم بدنبال دارد. آماده سازی فضا برای خارج کردن نام مجاهدین از لیست تروریستی و کسب حمایت جهانی در رابطه با راه حل سوم! اگر مجاهدین موفق به پیش بردن راه حل سوم شوند، بواقع به لحاظ مواضع در همان جایگاهی قرار خواهند گرفت که تا مقطع اشغال عراق بر آن پای می‌فشردند!

"راه حل سوم" چیست؟

"راه حل سوم" آنگونه که مجاهدین تعریف می‌کنند یعنی تغییر دموکراتیک در ایران از طریق مردم و مقاومت ایران! به عبارت بهتر در مقابل آلترناتیو تهاجم نظامی (مثل مورد عراق) و یا سیاست مامشات و تلاش بیهوده برای "تغییر در رژیم"، بهتر است که جهان ذینفع، راه مقاومت ایران را باز کرده و از حمایت رژیم "جمهوری اسلامی" دست بردارد. ترجمه این سیاست به فارسی در می‌شود:

تسلیح دوباره "ارتش آزادیبخش ملی" و حرکت آن به قصد سرنگون کردن رژیم و صد البته با پوشش هوایی تعیین کننده آمریکاییها. بی تعارف و شوخی!

این همان چیزی است که مجاهدین قویا بر روی آن حساب باز کرده اند. اگر این امر صورت پذیرد به اعتقاد من پیروزی مجاهدین در یک انتخابات آزاد پس از سرنگونی نیز پیشاپیش امری است تضمین شده! چرا که تمامی مشروعیت نیروی سرنگون کننده را در اختیار خواهند داشت. در این رابطه تضمین برگزاری انتخابات آزاد پس از تعیین تکلیف رژیم جمهوری اسلامی توسط مجاهدین به طرف مقابل کمترین پوئنی است که کوچکترین تغییری در تعادل قوای پس از سرنگونی نخواهد داد.

به عبارت دیگر "شیوه تغییر" یک رابطه دیالکتیکی با نیرویی خواهد داشت که برآیند تغییر است. بدنبال "رفرم" این نیروهای انقلابی نیستند که از یک نقش هژمونیک برخوردار خواهند بود. به همین اعتبار بدیهی است که هر راه حلی به غیر از این اعم از راه حل خیالی فراندوم و یا مداخله مستقیم نظامی آمریکا، منجر به سر برآوردن هر نیرویی از صندوق خواهد شد الا نیروهای انقلاب.

اینکه نیروی سرنگون کننده و متعاقباً سربرآورده از صندوقهای رای، بعداً فی المثل با بانک جهانی و صندوق بین المللی پول چه خواهد کرد و یا در "جامعه مدنی" چگونه جلوی حاکمیت سرمایه فراملی را خواهد گرفت و خلاصه مکانیسم بالانس آن در کادر طرح درازمدت "خاورمیانه بزرگ" چگونه خواهد بود و حکایتی دیگر است!

راه حل فراندوم جواب نداشت. انقلاب مخملی در ایران خواب و خیالی بیش نیست. با تمام قوا باید با احتمال تهاجم نظامی آمریکا مقابله کرد. "راه حل سوم" منطقی ترین طریقه تعیین تکلیف نهایی با هیولای مذهبی حاکم بر ایران و پایان کابوسی است که بیش از یک ربع قرن بدرازا کشیده است. چنین باد!